

### سر مقاله

ماهنامه طلوع فیروز کوه، که تازه به فعالیت آغاز نموده است، نخستین گام در جهت رشد فرهنگ اسلامی و ارزش های ملی این سرزمین می باشد. این ماهنامه به همکاری یک تعداد از جوانان خبره و قلم به دستان این ولایت راه اندازی گردیده تا بتوانند از این طریق به فعالیت های دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بپردازند. بدون شک جوانان نیروی مولد و راز توانایی جوامع بشری می باشند. جوانان به به سبب نیروی اندیشه و تفکر، شور و اشتیاق و تحرک و فعالیت جسمانی ویژه که دارند، همواره سرمداران قافله های آزادی و پیشرفت های سیاسی- اجتماعی بوده اند. این طیف گسترده که درصد بیشتری جوامع انسانی را تشکیل می دهند، نقش عمده و مهم را در تحولات تاریخ ایفا کرده اند. آنها همیشه در برابر مظالم و بی عدالتی ها ایستادگی نموده و در این راستا از خود جان فاشی ها کردند.

امروزه جامعه اسلامی، بنا بر تهجمات و چالش های که متوجه آن می باشد، در مسیر نا مشخص و نامعینی در حرکت است و چنان غرق فساد اخلاقی و دگرگونی های اجتماعی شده که بیرون شدن از این ورطه را محال می داند. افراد رسالت اصلی و و جیبه ی دینی و انسانی خود را در مقابل هم نوع خود فراموش کرده و چنان چشم به مادیات دوخته که همه هم و غم شان این است که چگونه به ثروت برسند. در حالیکه هدف اصلی حقیقی انسان ها این است که از این منابع به عنوان نعمت، برای سعادت دنیا و آخرت خود استفاده نمایند.

جوانان که روزی نمونه ی از ایمان، اخلاص، جدیت و عمل بودند و شخصیت آن ها را صفات چون: اخلاق، دیانت، وقار، حیا، شرف و مردانگی تشکیل می داد و همچون سربازان در برابر استبداد، بی عدالتی ها و حق شکنی های می ایستادند، امروزه به آسانی در برابر فرهنگ های وارداتی و دسیسه های دشمنان تن داده و چنان آشفته ی فرهنگ و رسوم غالی آنها شده اند که غیر از تن پروری و آسایش جسمی به چیزی دیگری نمی اندیشند. پس این جا ست که این سرمایه های عظیم به کالای های بی ارزش و ناچیز تبدیل گردیده که نمی توانند دردی را دوا کنند. بناء با بی کفایت به بار آمدن این قشر بزرگ، هر جامعه ی به فقر فکری و فرهنگی دچار می گردد.

هدف اصلی ایجاد این نشریه این است تا اندیشه های ناب این نسل گسترده را کشف نموده و به پویایی و بالندگی برساند، و از آنها به حیث نیروی مفید و ارزنده برای شکوفایی و رفاه جامعه ی سالم استفاده نماید. و در نهایتا از این طریق خدمت ناچیزی در استای بیدارگری این نسل خطیر انجام داده و افراد جامعه را متوجه مسوولیت های دینی و ایمانی شان در قبال خود، خانواده و جامعه اسلامی نماید. در اخیر از تمام فرهیخته گان و اهل خبره این دیار، آرزوی رود تا در جهت غنای دینی و به ثمر رسیدن این آرمان مقدس، ما را تنها نگذاشته، برای بقا و استمرار این نشریه، همکار های خویش را دریغ نه نمایند.

### خوابگاه دارالعلوم عالی ابوحنیفه، گام مثبت در جهت آموزش های اسلامی



تعمیر خوابگاه دارالعلوم عالی امام ابوحنیفه که به ارزش اضافه از ۲۷ میلیون افغانی از هزینه وزارت مبارزه با مواد مخدر ساختمان گردیده بود، مورد بهره برداری قرار گرفت. این خوابگاه که در زیربنای ۹۰۰ متر مربع زمین در دو طبقه با تمامی امکانات راهیسی به شکل پخته و اساسی اعمار گردیده، دارای ۲۲ اتاق می باشد که گنجایش بیش از ۲۵۰ تن شاگرد را در یک زمان دارا می باشد.

بدون شک، مکان آرام و مناسب یکی از شرایط مهم یادگیری می باشد. آموزش و پرورش هنگام خوب صورت می گیرد که تمام مواد کمک کننده درسی آماده باشد. این تعمیر می تواند نگرانی دانش آموزان علوم اسلامی را از ناحیه جای بودوباش برطرف نماید و سبب خواهد شد تا جوانان به این مرکز آموزشی توجه بیشتر نموده و دانش های لازم را از این حوضه ای دینی فراگیرند.

### در برگ های این شماره

#### نقش جوانان در ساختار جامعه



محمد گل «پویا» برگ ۲

#### پیام تبریگی به مناسبت ...



نجیب الله «امینی» برگ ۲

#### از شبکه های اجتماعی چگونه استفاده کنیم



دوکتور محمد شریف «قاضیبه» برگ ۲

#### پیام تبریگی - شعر -



نثار احمد «کوهین» برگ ۳

#### اختراع عصر و معجزه علمی پیامبر (ص)



غلام ربانی «دهاد» برگ ۴

## آزادی بیان یا توهین بیان

بعضی از جاهلان و دشمنان بشریت این نعمت الله جل جلاله را که در اصل وسیله ای برای تفاهم و روابط است، زیر عنوان آزادی بیان برای مقاصد و اهداف ظلم، تجاوز، بر خلاف مدنیت، تقاطع جوامع و پخش و نشر کینه و نفرت استعمال می کنند. اینگونه افراد که خودشان در گرداب جهالت و گمراهی گیر کرده اند، فکر می کنند که بی حرمتی و توهین به ملت ها و جوامع حقیقتان است، آزار و اذیت مردم، ناسزا گفتن به هرکس، تلاش برای توهین و اهانت به شخصیت های محترم و معزز را جزء آزادی بیان می پندارند.

الله جل جلاله به انسان نعمت بزرگ و کرامت عظیم "بیان" عطاء نموده است، بیان را وسیله ای برای انسان ها به منظور بر آوردن حقوق، تفاهم فی مابین قرار داده است، و منافع و مصالح دنیا و آخرت به چگونگی بیان وابسته است، بیان و اظهارنظر خواسته ها، آرزوها و خیالات توسط زبان و قلم یکی از نعمات عطاء شده الله متعال است که انسان را از دیگر موجودات متمایز و جدا می نماید، این بیان است که زمینه زندگی مشترک و اجتماعی را فراهم ساخته است و خداوند متعال در سوره مبارکه الرحمن در آغاز نعمت ها، از نعمت عظیم بیان نیز یادآوری نموده است و برای انسان روش استعمالش را، عمل او دانسته است. «خلق الانسان \* علمه البیان» رحمن ۳-۴. «الله جل جلاله انسان را آفرید، و به او "بیان" را آموخت».

است که حق دفاع از خود گفته می شود.... ص ۴

## دارویی آرام بخش به نام کاغذ

برای مبارزه با استرس های مزمن است، مهارت حل مسئله را تا ۵۰ درصد افزایش می دهد. در واقع اگر نگرانی های خود را روی کاغذ بیاورید و آن ها را بنویسید می توانید بر اضطراب خود غلبه کنید چرا که با این کار نگرانی ها در ذهن تان به کاغذ منتقل می شود. این تکنیک به اندازه ای قدرتمند است که اگر دانشجویان پیش از نشستن در جلسه امتحان آن را به کار گیرند نمرات تحصیلی آن ها تا ۲۰ درصد بیشتر می شود.



اگر دنبال راه حل برای خلاص شدن از شر استرس های روزمره هستید باید دست به کار شوید و سراغ یک برگ کاغذ و خودکار بروید. درمورد هر چیزی که باعث استرس تان می شود برایتان اهمیت دارد بنویسید چرا که تحقیقات اخیر متخصصان امریکایی نشان می دهد نوشتن یادداشت کوتاه چند دقیقه ای قبل از شروع کار روزانه علاوه بر اینکه بهترین روش

# نقش جوانان در ساختار یک جامعه

به باور آگاهان مسایل اجتماعی و ملاحظات مشهود دیده، میشود که کشور ما به عنوان یک جامعه جوان که فرایند گزار از جنگ و بحران، به صلح و همزیستی مسالمت آمیز را به کندی تجربه میکند. جوانان در این کشور با چالش های روانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وقوم گرایی (از قبیل لسائی ومذهبی) روبرو میباشند که بیکاری، عدم اعتماد به آینده، اعتیاد به مواد مخدر، ازدواج های اجباری، فقر و بحران های هویتی از قابل پیش بینی ترین پیامدهای وضعیت موجود بر زنده گی جوانان افغانستان دانسته میشود که رویارویی با این چالش ها به تدوین و اجرای برنامه های دقیق، علمی و منسجم در سطح نهاد های ملی و بین المللی مرتبط با جوانان در افغانستان نیازمند میباشد.

جوانان نقش ارزنده ای را در ساختار یک جامعه دارند، زیرا جوانان را مسولین فردای جامعه محسوب می نمایند به این منظور والدین گرامی مسولیت بزرگ ایمانی و وجدانی در برابر فرزندان شان دارند تا تربیه سالم داده منحیت افراد مؤثر وکارا در جامعه تقدیم نمایند، چرا که یگانه عامل عقب ماندگی یک جامعه نسبت به عدم توجه لازم در تدویر ذهنیت و خواسته های جوانان بوده است. مسلماً این حق باید به جوانان داده شود تا دوشادوش بزرگان در تعیین سر نوشت مملکت سهم گرفته تصمیم گیری نمایند ویا حد اقل مفکوره و نظریات خود را که در بهبود ساختن جامعه حیاتی باشد، شریک سازند و نظریات شان از طرف بزرگان تا دیده گرفته نشود. طوریکه جوانان در یک جامعه اسلامی در یک حدود مشخص میباشند، تا رسالت ومسولیت خویش را در قبال خود و خانواده و بالاخره در قبال جامعه بخوبی درک نمایند. ایم جوانی مرحله است که انسان دارای قوت و نیروی جسمی وفکری میباشد که باید از آن بصورت اعظمی استفاده صورت گیرد. یک جوان باید قسمی تربیه و آماده شود که هر لحظه، وقت را غنیمت شمرده در ترقی و پیشرفت جامعه خویش کوشا بوده و بتواند با استفاده از دوران جوانی بهره برداری سالم نماید. در این باره حضرت عمر (رض) می فرماید: وای به حال کسیکه امروزش از دیروز بهتر نباشد و فردایش از امروز، پس یک جوان مسلمان باید قادر باشد تا در برابر عوامل مختلف وانگیزه های انحراف کننده، با قامت استوار ایستاده شود وغرناز سرکش را مهار نموده و توانای های جسمی واستعداد خویش را در مسیر سالم به کار ببندازد که شایسته رحمت بی پایان الهی گردد. امروز در کشور ما بعد از سه دهه نشیب و فراز و بوجود آمدن نظام دیموکراسی نقش و جایگاه جوانان در جامعه تثبیت نگردیده، تقریباً بیشتر آنها مصروف درس وتحصیل هستند. قبول میکنیم که درس و تعلیم مضمین آینده جوانان است، اما در پهلوی آن باید روحیه

## روابط اجتماعی میان ملت و دولت

یکی از تبعات اجتماعی بودن انسانها، نیاز به قوانین ومقرراتی است که روابط آن ها را با هم تنظیم می نماید به گونه ای که حقوق و امتیازات مورد ضرورت انسانها در زنده گی به صورت عادی وعادلانه میان همه تقسیم می گردد. دستگاہی که امروز از آن به نام دولت ویا حکومت تعبیر میشود، در واقع همان نهاد و ارگانی است که انسان ها از زمان های قدیم ضرورت آن را درک نموده وهر مجموعه ای از انسان ها به نوعی دولت وحکومتی داشته اند، تا به وسیله آن خود را در برابر توطیه های بیرونی وفساد داخلی حفاظت کنند.

## پیام تبریکی به مناسبت اولین شماره نشریه طلوع فیروزکوه

ارتشکلیل حکومت سیزده سال گذشته در افغانستان، نقش کلیدی جوانان در راستای اطلاع رسانی از طریق مطبوعات و نشریه ها بطوری واضح مشاهده شده که جوانان درطول تاریخ و درتمام جامعه بشری سبب سعادت و پیروزی مردم خود نقش مهم داشتند. این موفقیتها به سبب آگاهی ایشان از دین، آئین و پایبندی به دستورات الهی، حرکت نمودن به جهت حقانیت، صبردر برابر چالش ها، عدم هراس از موانع پیشرفت وتلاش برای برطرف نمودن موانع ترقی درجامعه واندشیه آفرینی تلاش کردند. بناً ضمن اینکه هر جوان مکلفیت ومسولیت اجتماعی، اخلاقی و سیاسی دارد تا مردم را از ومسولیت های شان آگاه سازند، اهداف و آرمان هرجوان این باشد که تمام مردم به حقوق شان درهمه عرصه های زنده گی برسند.

بدون شک، این جوانان اند که درطول تاریخ، خود را فدای آرمان های مقدس و مشروع خودکرده اند تا باعث تغییرات وتحولات بی نظیردر جوامع گردیده و شهکاری های خود را ثبت اوراق زرین تاریخ نمایند. بنابر این با وجود تحمل همه مشکلات دست به دست هم داده و با یاری الله متعال و شما مردم شریف وخصوصاً جوانان عزیز ازتمام موانع و مشکلات گذشته وایندبه راه نفع خویش و مردم خویش، چنان که شایسته است؛ تغییر دهند. باردیگر، عده ای کثیری از جوانان بیدار وآگاه ما، نسبت به هم اهداف بودن ایشان نشریه جدیدی را تحت نام "طلوع فیروزکوه" ایجاد نموده اند، تا یک بخش دیگری از مشکلات جامعه مارا ازاین طریق بروز داده باشند.

دراینجا خواستم ازفرصت، دست داشته خویش استفاده نموده به عنوان نخستین نشریه تحت نام طلوع فیروزکوه به تمام مردم ولایت غور به خصوص به جوانان این سر دسته تبریک بگویم. واز باره گاه الله متعال مؤقیت و بهروزی تمام دست اندر کاران این نشریه را در پیشبرد امور خواهانم.

نخبب الله امینی، محصل صنف چهارم ادبیات دانشگاه کابل

## از صفحات اجتماعی (فیسبوک) چگونه استفاده کنیم!

دوکتور محمد شریف «قاضی زاده»

سلام برغوریان بزرگوار! اگر چه وظیفه و مسلک من تقاضای مداخله درطرز دید، مفکوره وکارهای شما را بر من اجازه نمیدهد اما گاهی بعضی حرفها وکارهای را در گوشه وکنار این شهر می بینم وخیلی انسان را متاثر وحتی وجدان ما را گاهی آگاه و گاهی هم خجالت زده میکند. ما مردمانی را داریم که خیلی عاقلانه در مورد این دیار می اندیشند اما شاید حرف شان آنقدر بزرگ باشد که حتی ما که علمیت پایتتر از آن ها داریم و یا درک نه توانیم یا درک کرده، به آن اهمیت قابل نه شویم. منظورم بزرگان غور اند که درمورد غور میگویند ومی اندیشند؛ اما جز برای بقای خود وحاکمیت خود، هدف دیگر ندارند. کوچه وپس کوچه شهر را برای بقای این وان ونبود این وان با وسیله قرار دادن من وشما که ازین دیار هستیم. آیا گاهی درمورد این فکر کرده اید که هرگاه مرگ را در برابر یک دیگر روا میداریم، مقام ومنزلت نصیب ما میشود یاخیر؟ آیا با رفتن این وان من وشما گاهی یگدیگر را درهمین شهر فیروزکوه لحظه و یا ثانیه به سلام وصحبت نمیشینیم ؟ آیا مرگ را که بر شما روا میدارند وشما درآنها پاسخ گویی کشف پینه دار دختر وپسر 5 ساله است که کشال کشال هر روز راه های پرپنج وخم و جاده های نیمه خامه و نیمه پخته را از رفت وبرگشت تا مکتب یا کورس می پیماید، هست؟ آیا بر مهاجر که لقمه ی نانی برای خوردن ندارد وشب را با بازی دادن طفلانش که با شکم گرسنه سر در بالای سخره ای سختی نهاده و مادرش در فکر این است که مبدا صدای گریه طفلش، خیمه نشینان بی پتو وکمیل دیگر را از خواب بیدار کند، میگوید گریه نکن جانم که فردا برایت یک نان تندوری گرم میبزم لقمه نان میدهد یا پراهن بی بنبه وریش ریش همین غوری را عوض مینماید وشکم گرسنه اش سیر میگردد؟ وهزار ها حرف دیگر ...

گاهی درصفحه فیسبوک سر میزیم جز تحقیر وتوهین بر یگدیگر و زیر سوال بردن بهترین انسانهای صادق این دیار به نامهای مستعاری که حتی شک وگمان ها را دربین همین فرزندان غوری افزایش داده و موجب خشم و دست انتقاد گذاشتن بالای این آن میگردد وجز حرفهای پوچ و بی معنی چیزی دیگر را نمایم یا چشمان من درست نمی بیند یا بد جوری درگیر مسایل درونی گردیده ایم. این را کی میدانند وکی انجام میدهد جز ما قلم بدستان که حرف از اصلاح جامعه میزیم و هر روزه گروه گروه از جوانان وشاگردان مکاتب را نظر به روابط قومی و مصلحت های دیگر در جاده ها می کشانیم تا مرگ باد گفتن بر یگدیگر را برایشان بیاموزانیم، در حالی که شکمی برای لقمه نان، قلبی برای عطوفت وقلمی برای کتابچه یاد داشت که توان خرید آنرا ندارد، چون آتش میسوزد. ندیدم گاهی به جز چند جوان محدود اند که چیزی بنویسند و یا چیزی بگویند تا ما بیاموزیم و بردیگران بیاموزانیم، ندیدم که مردی قلم بگیرد و در باره ای مشکلات و راه حل آن با طرح جدید وارد صحنه گردد. ندیدم جوان تحصیل کرده ای که بگوید غوریان باهم یکجا شده و برای نبود این موارد شعار دهیم؛ ما سرک می خواهیم! ما برق می خواهیم! ما وحدت واتفاق می خواهیم! ما بازسازی می خواهیم! ما مشارکت سیاسی می خواهیم! و صدها مواردی چون تعمیر برای مکاتب، سرک داخل شهر خامه ونیمه پخته، دانشگاه بی مکان وحتی بی میز وچوکی، چرا غور ما فراموش شده و صدها حرف دیگر که برای خواستاری آن ها از حکومت مرکزی، خیمه های اعتراضیه برپا کنند .

بیانید برای چند ثانیه فکر نمایم که آیا ما حق زنده بودن و زنده گی کردن را نداریم؟ اگر داریم چرا محرومیم و یا این محرومیت را کسی برما تحمیل کرده یا ساخته و پرداخته دست خودمان است؟ به نظر من این ما هستیم که چنین وضع را پسندیدیم وازش حمایت می کنیم. طوریکه این روزها شاهد هستیم اگرما راه گم کرده در دوباره پیداکنیم هیچ کمبودی از مردم وجوانان ولایت های دیگر نداریم. ما می توانیم یک تغییر مثبت و بنیادی را با کمترین فرصت بدست آوریم. جوانان عزیز! همه ای ما غوری هستیم و افغانستان وطن ماست و برای بقای سرزمین و این خطه ای عزیز غور باستان، ما نیاز به اتحاد وهمدلی داریم. بیانید تبلیغات پوچ و سوء را برعلیه یگدیگر کنار گذاشته و فضایی صمیمیت وهمدیگر پذیری را پیشه ای خود نمایم و برای رسیدن به این آرمان مقدس از راه و طریق مناسب استفاده اعظمی نمایم، چه از طریق صفحات اجتماعی (فیسبوک)، رسانه ها، نشریات، اخبار و سایر وسایل عصری، تا باشد حقوق دینی وشهروندی خود را در برابر هم نوعان خود اداء نموده وزمینه همزیستی مسالمت آمیز را در بین اقشار جامعه گسترش دهیم.



## شعر و ادب

## زن در نگاه همسری مهربان

منبع: سایت خانواده خوشبخت

می گوید:

به رختخواب رفتم... قبل از اینکه بخوابم نگاهی به همسرم انداختم... آرامش تمام به خواب رفته بود... و با خود گفتم: مسکین... چقدر زن ها مظلوم هستند، بعد از اینکه سال ها با پدر و مادر و خانواده اش زندگی کرده، حالا در کنار مرد غریبی قرار گرفته... خانه ی والدین را ترک گفته و خودش را در پناه مردی قرار داده، تا او را به معروف امر کند و از منکر باز دارد و او نیز برای خشنودی الله آمده تا به این مرد خدمت کند....

آری... همه اینها به دستور دین است... پاک و منزه است خدایی که چنین دین مقدسی برای ما قرار داده...

هدف از این مقدمه سوالاتی است که وجدان هر مردی باید از خودش بپرسد!!!

\* چگونه بعضی از مردان، همسران خود را با بی رحمی کتک می زنند در حالی که همسرش خانه پدری را رها کرده... و خود را در پناه وی قرار داده؟

\* چگونه بعضی از مردان، خانه را برای همسران خویش بسان زندانی قرار داده اند... نه با او به تفریح می رود... و نه هم صحبت اش می شود؟

\* چگونه بعضی از مردان، از مسئولیت شرعی خویش شانه خالی می کنند و نسبت به خانه و فرزندان بی توجه هستند؟

\* چگونه بعضی از مردان، برای کانون گرم خانواده هیچ ارزشی قائل نیستند... هر وقت بخواهند دیر می کنند... و هر وقت بخواهند به مسافرت می

روند و خانه را ترک می گویند؟

\* چگونه بعضی از مردان، اهتمام به دوست و رفیق شان بیشتر است تا همسرانشان... برای آنها بیشتر وقت میدهند؟

\* چگونه بعضی از مردان، از سوزش قلب همسرانشان بی خبرن... از اشک های که آن را خشکاندن... ناله های پنهانی که آن را نگه داشتن و از درد هایی که همدردی برای آن نیافتن؟

چه زیباست فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم: «اَسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا» «شما را به نیکوکاری و خوش رفتاری با زنان سفارش می نمایم».



## پیام تریکی

فیروز کوه تاریخ دیرینه ی ما طلوع اش یک نوید خانه ی ما فیروز کوه نام فیروز شاه غوراست طلوع اش یاد از کاشانه ی ما فیروز کوه یاد از شیران غورات طلوع اش امید و روزنه ی ما روحیه بخش دل رنجور ملت اول حرفش توجه خواه دولت نه چون باچال وبا نیرنگ قبلی نمی خواهیم به مرگ خود، اودلت گذشته هرچه بود با ما گذر کرد ما را از مکر مکاران خبر کرد شنیدم درد، مرد می آفریند مرا محرومیت آگاه تر کرد به زمستان بماند روسیایی اگر صد سخت گیرد برگدایی بهار آید رود هر کس پی کار نجات باید زسختی مردساعی نگویم از شهنشاهی ای دوران نه خشکد جوی که آبی کرده فوران یقین که سر برآرد شیر مردی ازین شیرمسکن، پرورده شیران صدای چون حسن بن حسینی براید بهر حق خواستن زسوران

نثار احمد کوهین



## غلام سرور "حریق"

ای که هنوز واقعی فرصت و عقل وهوش را وقت ضرورت است هانا! گوش سخن نپوش را بر همه ماجرا ببند، پنجره ی خیالها دار به رسم بندگی، چشم و زبان وگوش را گر همه دور زندگی، صرف شدت توانگری مرد کرم نوازش، درویش زنده پوش را فکر خیانتی مکن، تا که نه بر ملا شوی زانکه خدای بنگرد، حادثه ی خموش را زیب دیگر دهد اگر، هر نفسی برآوری شکر گزار حق شوی، این همه خورد و نوش را عمر تمام خفتند، نیست صلاح بندگی خیز سحر مهارکن، خواب گران دوش را خویش پرستی واگذار، کبر فروشی ترک کن! ورنه به هیچ فرق نیست، مشرک و بت فروش را دار! به روز انتقام، کفش وکلاه خویشستن صحبت ناکسان مگو، فرق بکوب «پوش» را! گرنفَس ات برآورد، یک نفس مراد خلق خضر ره ی سکندری، قصه داربوش را گرچه «حریق» نیست شور و فغان و ناله ی عشق گزین و صبر کن، باز بین خورش را

\* \* \* \* \*

## ناله ی مردم

سلام بر بیریق!

سلام بر کشور!

سلام بر ملت نجیب افغانستان!

\* \* \* \* \*

حمد و ثنا بر تو کنم کردگار

جان و جهان است به تو اختیار

باز درود بهر محمد (ص) هزار

روشن از آن است جهان آشکار

بازکنم ناله در این انجمن

هست در این ناله ای من صد سخن

ناله ای من ناله ای خلق دیار

زمزمه ام غرَش این کهسار

ناله ای من ناله ای این مردمان

درغم جای اند و لباس اند و نان

نان ندارد که به خون تر کند

خانه ندارد که شبی سر کند

خانه چون نیست خیمه به صحرا زند

غذای خود بر لب دریا زند

خانه بدوشی است همه پیشه اش

نان ولباس است در اندیشه اش

شهرنادهای هامون رود

دشت ودره با دل پر خون رود

ناله ازین شهر به صحرا زخم

آتش غم درد دل شیدازنم

ناله کنم تا که خورش آورم

این دل سنگ تو به جوش آورم

ناله کنم ازستم روزگار

تا که به فریاد رسد کردگار

ناله زارم بشنو دادگر

ناله کنم با تو ز بیدادگر

ناله کنم تا که ازاین آسمان

رحم بیارد خدای جهان

گوش کند ناله ای این مردمان

ناله ای این خلق شنو ای طیب

تا که شود لطف خدایت نصیب

ناله ای من ناله ای شیدایی است

غفو نما لهجه ای صحرایی است

چیست مرا ناله در این انجمن؟

گوش کن اکنون که بگویم سخن

از حکومت به کجا! باغ جنان می خواهیم

یا چو تاریخ کهن، فتح جهان می خواهیم

گر میسر بشود امن وامان می خواهیم

بخدا راحت جان لقمه ای نان می خواهیم

ما نگویم به ماراکت و طیاره بساز

غم بیکاری و بی نانی ای ما چاره بساز!

ارسالی: بهرام

## مسئولیت های جوانان در برابر دسیسه های دشمنان

۲- تشکیک در حال تو موده امت اسلامی: مستشرقان تاریخ ما را کافی نمی دانند بلکه حالت موجوده ما را نیز اماج تیز های خصمانه خود قرار داده اند. از شک و تردید قصد شان زرع تخم نا میدی در قلوب نسل های جوان و نسل های همین وضعیت موجوده است و این نسل حافظه به غرب و تمدن آن بنگرند و بس.

۳- تشکیک در فردای امت اسلامی: دشمنان اسلام می خواهند تا نگرش نسل جوان جامعه ی اسلامی را نسبت به آینده ی آن ها بی باور سازند به گونه ای که مسلمان ها به هیچ نمی توانند صاحب یک دولت مستقل و دارای تمدن و فرهنگ باشند. وقتی که گذشته ی ما را خو نین و تاریک و آنگنده با ظلم و فساد جلوه می دهند و حالت حاضر ما را یک حالت عقب مانده واپس گرا و فقیر بوده و دید ما هم در برابر آینده نا مشخص، پس برای ما تلقین می گردد که اصلاح راه به سوی تمدن و تکنولوژی برای شما باز نیست. ما باید ناچار زیر لب زمزمه کنیم که پیشرفته آنجا است قهقرو و او پس گرای نزد ما، ثروت آنجا و فقر نزد ما. قوت آنجا و ضعف نزد ما. علم آنجا و جهل نزد ما. بناء نسل که به وجود میاید باید دنباله روی تمدن غرب باشد. این است پیامد تشکیک ها در تاریخ حاضر و آینده اسلام که دشمن آن را سازمان میدهد و متاسفانه امروز اکثر جوان های ما از آن متأثر شده اند بنا بر این بیایید ما جوانان کنار هم آمده، دست هم را گرفته به جایی هم گریزی و هم چسبی، به هم بستگی هم دلی و هم هدف باشیم و مسئولیت های اساسی خود را درک نموده، آن ها را موفقانه ادا کنیم و مطمئن باشیم که همه چیز نزد ماست، بیایید بر گردیم به تاریخ و فرهنگ خود و از آن طریق، تمام اهداف شوم و مضر دشمنان اسلام را خنثی نموده، ناکام سازیم و اهداف نیک و مقدس را در راستای پیشرفت جامعه ی اسلامی طرح نماییم و برای رسیدن به آن ها گام های عملی برداریم.

هر جوان مسلمان در جامعه اسلامی به اندازه توان خویش مسوولیت و مکلفیت های دارد. در جهت تعمیم خیر و نیکی در میان افراد و اجتماع تلاش به خرج دهد تا امن و آرامش را به میان آورد، لذا هر جوان مسلمان این را بفهمد که ارزش و قیمت آن در اجتماع به اندازه تحمل پذیری مسوولیت اوست. جوانان این را بفهمند که امروز در جهان از دو روش، یکی مستقیم و دیگری غیر مستقیم بالای افکار و آذهان جامعه اسلامی و به ویژه نسل جوان کار میشود.

۱- تهاجم های گرم ارتش یا نظامی است. این حرکت آن ها با ابزار های نظامی و مسلحانه بالای رژیم سیاسی و نظامی کامل و ثابت اسلامی بوده که فعلا هم در اکثری کشور های اسلامی به مشاهده می رسد.

۲- دیدگاه دیگری که امروز ما را تحت فشار قرار دارد روش های غیر نظامی و ارتشی است که امپریالیزم غرب برای ما بود کردن ارزش های اسلامی از زنده گی مسلمانان و انصراف آنها از تمسک به اسلام و ایدولوژی و تهی ساختن امت اسلامی از افکار و هویت دینی است. ماجوانان باید اهداف این نوع تهاجمات غربی ها را به صورت روشن و مستقیم بدانیم تا در مقابل آن ها ایستادگی نموده و این نیت شوم آن ها را ناکارآمد بسازیم. اهداف این حرکت ها قرار ذیل است:

۱- ایجاد شک و تردید در تاریخ امت اسلامی: غرض اساسی این امر، ایجاد شبهه در تاریخ اسلام و گسستن پیوند آن از گذشته تابانست میباشد تا مسلمان ها بحیث امت بی تاریخ و بی افتخار بار آیند و در عین حال، پنهان نمودن نقاط زرین و روشن تاریخ اسلام سبب میگردد تا نسل جدید و بعدی امت اسلامی از تاریخ خود جز خونریزی، ظلم و شکنجه چیزی دیگری نخواهند فهمید.

ذبیح الله "خرسندی"

\* طلوع فیروزکوه تنها مسوولیت سرمقاله را به دوش دارد.  
 \* هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
 \* مقاله های ارسالی شما پذیرفته می شود.

## اختراع عصر و معجزه علمی پیامبر (صلی الله علیه و سلم)

یکی از جدیدترین اختراعات سال ۱۴۰۰ میلادی با این عنوان به جهانیان معرفی گردید، کفش هوشمندی که به ماهواره های فضایی ارتباط دارد و می تواند صاحب خود را از مسیر صحیحی که باید برود، آگاه سازد!  
 از عجیب ترین و جدیدترین اختراعات عصر حاضر می توان به کفش های هوشمندی اشاره کرد که پس از اختراع تلفن های هوشمند اکنون روانه بازار خواهند شد؛ اما باید دید که کاربرد این کفش ها چیست و چرا هوشمند نامیده شده اند؟

کاربر این کفش ها آگاه کردن صاحب خود در مسیریابی صحیح بخصوص در سفرهای درون شهری است. این کفشها فرکانسهای مشخصی را از خود صادر می کنند که به وسیله آن صاحب کفش خواهد دانست که کدام مسیر صحیح بوده و به کدام سو باید برود. این کفش ها به ماهواره های فضایی ارتباط دارد و از طریق تکنولوژی GPS و اتصال با موبایل عمل می نماید. کفش هوشمند موارد زیادی را همچون جهت یابی صحیح به دارندند ی خود اطلاع رسانی می کند و شرکت های سازنده ی این کفش در تلاش دند تا با ارتقای تکنولوژی این محصول بتوانند کاربردهای بیشتری را برای خریداران و استفاده کنندگان از این کفش در دسترس آنها قرار دهند. به طور مثال ارتباط کفش با موبایل از طریق بلوتوث که با این تکنولوژی امکان ارتباط با کفش خود برای انسان از طریق موبایل بیشتر فراهم می شود.



شرکت های تولیدکننده ی این کفش ها درگام های بعدی اقدام به ارتقای کیفی این کفش ها نمودند تا استفاده کنندگان از این کفش ها همچون بیماران آلزایمری که حافظه ی خود را در مسیریابی صحیح از دست داده اند یا نابینایان بتوانند به راحتی از این تکنولوژی بهره برده و مسیر درست خود را تشخیص دهند.

در این راستا مقاله ای درنیمه ی سال ۱۴۰۰ میلادی در سایت های اینترنتی با این عنوان انتشار یافت:

Smart shoes will soon tell you where to go.

ترجمه: کفش های هوشمندی که به شما می گویند تا به کجا بروید!  
 درحقیقت می توان گفت که این کفش ها با زبان الکترونیکی با صاحب خود صحبت می کنند و به او اطلاعات مورد نیازش را می دهند.... شکی نیست که امروزه این اختراع با توجه به پیشرفت های دیجیتالی و ارتباطی گسترده ای که در سراسر دنیا به وقوع پیوسته برای ما امری عادی به حساب می آید؛ ولی آیا احدی در عصر نزول قرآن و ۱۴۰۰ سال قبل می توانست حتی چنین اختراعی را در ذهن خود تصور کند و در مخیله ی خود بگنجاند؟  
 حال به تفکر و تأمل در یکی از معجزات نبوی صلی الله علیه وآله وسلم پرداخته و فرموده ای آن معلم واقعی بشریت را در این مورد ذکر می نمایم:  
 «والذی نفسی بیده لا تقوم الساعة حتی یکلم الرجل نعله»  
 ترجمه: قسم به آنکه جانم به دست قدرت اوست که ساعت (قیامت) برپا نمی شود تا زمانی فرارسد که در آن وقت مرد با کفش خود سخن بگوید.  
 به روایت ابن حبان ..... سبحان الله!

## مشارکت سیاسی و یا برق و سرک مرکزی؟!!



در طی روز های گذشته، یک راه پیمایی گسترده توسط صد ها تن از شهروندان ولایت غور، در شهر فیروزکوه راه اندازی گردید. این شهروندان شعار های مانند: مشارکت سیاسی، سرک و برق را با خود حمل می نمودند و از دولت وحدت ملی خواستار مشخص نمودن غوری ها در پست های تصمیم گیری حکومت شدند. آن ها تاکید ورزیدند تا با خواست های قانونی شان، پاسخ مثبت داده شود. این شهروندان هشدار دادند، در صورت بی توجهی به خواست های مشروع آن ها، با حکومت قطع رابطه خواهند نمود.

این راه پیمایی بیشتر از مسئله ی نادیده گرفتن غوری ها در کابینه حکومت وحدت ملی نشأت گرفت و تاکید مردم بیشتر روی همین امر مبذول داشت. حالآنکه تمام خواست های آنها قانونی و مشروع است، بیابند دقیق سویم که کدام یک از این سه خواست (مشارکت سیاسی، سرک، برق) به نفع بیشتر غوری ها بوده که باید در اولویت قرار گیرد؟ و تشخیص نماییم که کدام یک به نفع مردم بوده و از کدام اش بیشتر یک قشر محدود و انحصارگر - که همیشه از احساسات پاک این ملت برای رسیدن به منافع شخصی خود استفاده می نمایند- سود می برند. بیابند عادلانه قضاوت نماییم، ملت غور در طی سیزده سال گذشته، از وکلای خود در شورای ملی چه نفع دید که حالا از یک وزیر این توقع ها را داشته باشند؟

بنا به دیدگاه ما، چیزی که مهم است و می تواند به اقتصاد و سطح زندگی این مردم کمک نماید، همانا اعمار سرک مرکزی و بند برق در غور است که باید در رده ی اول خواست های این مردم قرار گیرد و از حکومت وحدت ملی خواستار جدی برای روی دست گرفت کار بالای این پروژه های حیاتی در این ولایت گردند.

## جوانان، اعتماد به نفس و نابسامانی ها

گذرگاه های تاریخی خطرناک، پیروز متدانه عبور کرده اند، لیکن در برخی عرصه ها به دلیل ضعف های عدید ناشی از ناهنجاری های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و..... به گونه تأسف باری میل به غریبی ها نمودند. بناءً نیاز به بیداری و آگاهی عام بیش از هر وقت دیگری متصور است تا به کمک این آگاهی (مردم مسلمان بخصوص جوانان مسلمان) اعتماد بنفس بیشتر در برخوردار گردند و روحیه بالندگی وعدم قناعت به وضعیت فلاکت بار موجود در ایشان تقویت گردد، تا باشد که براین سوال های ذهن سوز، که استیلا اجانب تا بکی بر ما مسلمانان دوام خواهد داشت؟ آیا ما هنوز ملتی به معنی واقعی نشده ایم و همچنان در منجلاب نفس گیر عصیبت های قومی، زبانی، سمنی دست و پا خواهیم زد؟ و ده ها آیا دیگر که باید پاسخ های لازم پیدا نمایند.



هر جامعه نیاز دارد تا از وجود جوانان خویش در همه عرصه های سیاسی، دفاعی، علمی، فرهنگی و غیره به نیکوترین وجهی استفاده نماید، اما این ضرورت عام را چه جوانانی می توانند برآورده سازند؟ مسلماً آنهایی که بخواهند افتخار خدمت گذاری و اصلاح جامعه را به عهده بگیرند، باید از اعتماد به نفس بالای برخوردار باشند. جوانان مسلمان کشورهای اسلامی هر چند از برخی

## آزادی بیان و یا توهین.....

و این حق مسلم هر انسان است، مگر بخاطر جهالت، شهرت و شهوت پرستی، بی احترامی، توهین و ناسزا گفتن به شخصیت های دیگران، دین، کلتور و یا به القاب بد و اتهامات نادرست متهم کردن عملی خلاف انسانیت و بدور از عقل و تمدن است.

صاحبان عقل به این دو سخن ذیل اتفاق دارند: نخست اینکه هر کلام و سخنی تاثیر مثبت و یا منفی خودش را دارد، تاثیر سخن خوب، نیکو و خوشایند است و تاثیر سخن بد، بد و ناخوشایند است. دوم اینکه اخلاق نیکو و شایسته وسیله و سبب خوبی برای اتحاد و خوشبختی جامعه است و بد اخلاقی اسباب بد بختی، گسستگی و از بین رفتن جوامع را مهیا می کند. لذا شخصیت های عاقل و دانای هر جامعه توصیه در اصلاح اخلاق و رفتار ساکنان آن جامعه می کنند، زیرا سخن بد و نادرست و اخلاق نامناسب بعضا چنان احساسات و عکس العمل جانب مقابل را تحریک می کند که سبب بدبختی و اختلافات داخلی جوامع می گردد، و زمانی نیز وضعیت چنان بغرنج میشود که به جنگ و خونریزی می رسد. رفتار گستاخانه و تحریک آمیز اخیر در فرانسه در مورد رهبر و رهنمای عظیم ما (بیش از دو میلیارد مسلمان) و در مورد رسول الله (حضرت محمد صلی الله علیه و سلم) هیچگونه رابطه و همخوانی با آزادی بیان ندارد، بلکه حماقت، دیوانگی و جرمی نابخشودنی است، زیرا ایشان (حضرت محمد صلی الله علیه و سلم) رسول و نبی الله جل جلاله است، رهبر تمام مسلمین جهان، و در تاریخ انسانیت بهترین شخصیت قابل قدر و احترام است، رحمتی از جانب الله جل جلاله برای تمام جهان و شخصیتی دارای بهترین سیرت، اخلاق و نورانیت است.

وظیفه و مسوولیت مسلمانان در مقابل این ظلم بزرگ: برمسلمانان لازم است که بر ارشادات قرآن کریم و سنت نبوی عمل کنند و برای استحکام و پخش و نشر دین خویش آستین ها را بالا زده و سیرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم را اختیار کرده و بر نقش قدم ایشان قدم گذاشته و حرکت کنند، در مقابل کردار جاهلان ثابت قدم بوده، و باورمند باشند که این وضعیت قابل تغییر است و یقیناً که تغییر خواهد کرد.

منبع: اخبار جهان اسلام.